

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال شانزدهم، شماره شصت و چهارم، زمستان ۱۴۰۳، ص ۱۵۶_۱۳۸

نگاهی به ابعاد دین‌داری در تعلیمات نگارستان معین‌الدین جوینی بر مبنای نظریه گلاک و استارک^۱

فائزه عرب یوسف‌آبادی،* مطهره میرشکاری**

10.71630/parsadab.2025.1194497

چکیده

مقاله حاضر به بررسی دین‌داری در تعلیمات نگارستان معین‌الدین جوینی بر مبنای نظریه گلاک و استارک پرداخته است. هدف این تحقیق تحلیل ابعاد دین‌داری در این اثر تعلیمی و ارائه شواهدی معتبر از متن نگارستان است. روش تحقیق، تحلیل متن به صورت توصیفی تحلیلی با روش یادداشت‌برداری کتابخانه‌ای است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که جوینی در نگارستان، ابعاد مختلف دین‌داری شامل اعتقادی، تجربی، مناسکی، اخلاقی و نهادی را منعکس کرده است. بُعد اعتقادی شامل باورها و اصول دینی است که در نظام آموزشی وی به‌طور ویژه مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، بُعد تجربی به تجارب فردی در زندگی دینی اشاره دارد که جوینی آن را از طریق مثال‌ها و داستان‌های مختلف به مخاطبان ارائه کرده است. علاوه بر این، بُعد مناسکی در نگارستان مربوط به انعکاس آیین‌ها و مراسم دینی اسلامی است. بُعد اخلاقی به فضایل انسانی و رفتارهای اخلاقی در جامعه تأکید دارد که در آموزش‌های جوینی به‌خوبی منعکس شده است. در بُعد نهادی، تأثیر نهادهای اجتماعی و دینی همچون صوفیه در شکل‌دهی به دین‌داری نگارستان مشخص شد. **واژگان کلیدی:** دین‌داری، نگارستان معین‌الدین جوینی، نظریه گلاک و استارک، ابعاد دین‌داری.

این پژوهش با حمایت مالی دانشگاه زابل با شماره گرنت ۳۲۴۵ انجام شده است.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زابل، زابل، ایران (نویسنده مسئول)

famoarab@uoz.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زابل، زابل، ایران

mim.mirshekari1377@uoz.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

تاریخ وصول: ۱۴۰۳/۰۹/۰۵

مقدمه

ادبیات تعلیمی به عنوان یک زیرمجموعه مهم در ادبیات کلاسیک فارسی، نقش بسزایی در انتقال مفاهیم اخلاقی، دینی و اجتماعی در تاریخ فرهنگی و اجتماعی ایران دارد. این نوع ادبیات، که نیک‌بختی آدمی را ارتقای اخلاق و رفتار او می‌داند (مشتاق مهر و بافکر، ۱۳۹۴: ۴)، با هدف تربیت فردی و اجتماعی، به نشر آموزه‌هایی می‌پردازد که در زندگی روزمره و رفتارهای اجتماعی افراد تأثیرگذار است (رزمجو، ۱۳۷۲: ۷۷). در این راستا، نگارستان معین‌الدین جوینی یکی از آثار این حوزه به شمار می‌رود که به دلیل داشتن تعلیمات متعدد اسلامی، قابلیت بررسی دارد. نگارستان معین‌الدین جوینی، اثر معین‌الدین جوینی، کتابی است به نثر آهنگین آمیخته به نظم که معین‌الدین جوینی در سال ۷۳۵ هجری قمری نوشته است. این کتاب به سبک گلستان سعدی نوشته شده است و هفت باب (فصل) دارد. هر باب شامل یک مقدمه و تعدادی حکایت کوتاه پندآموز است. به جز چند بیت عربی، مابقی اشعاری که در کتاب آمده، سروده خود نویسنده است. این اثر به عنوان یک کتاب تعلیمی، شامل مضامین اخلاقی، دینی و اجتماعی است که در قالب داستان‌ها و روایت‌ها به تصویر کشیده شده‌اند. جوینی در این کتاب با تأکید بر آموزه‌های اسلامی، تلاش کرده است تا مفاهیم اخلاقی را به گونه‌ای جذاب و قابل فهم برای خوانندگان ارائه دهد.

از دیگر سو، دین به عنوان یک پدیده فرهنگی و اجتماعی، در جوامع مختلف شکل‌های گوناگونی به خود می‌گیرد. معانی دین‌داری^۱ شامل اعتقادات، احساسات، رفتارها و تجربیات فردی مرتبط با دین است که هریک از این ابعاد می‌تواند تأثیر عمیقی بر زندگی افراد و جوامع بگذارد. دین‌داری به عنوان یک فرایند اجتماعی، علاوه بر اینکه بر تعاملات فردی تأثیر می‌گذارد، بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی نیز تأثیرگذار است (Pargament, 1997: 136). تأثیرات اجتماعی و فرهنگی^۲ بر دین‌داری، به عوامل مختلفی نظیر تاریخ، سیاست، و فرهنگ‌های محلی بستگی دارد. دین‌داری نه تنها تحت تأثیر اعتقادات فردی قرار دارد، بلکه عوامل اجتماعی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری و تحول آن ایفا می‌کنند. برای مثال، جوامع با تاریخ و فرهنگ‌های متفاوت، اشکال مختلفی از دین‌داری را تجربه می‌کنند. این تأثیرات

1. Religiosity

2. Social and Cultural Influences

می‌تواند به شکل‌گیری هویت‌های جمعی و فردی منجر شود و از این طریق، ابعاد اجتماعی دین را شکل دهد (Berger, 1990: 39).

تحلیل ابعاد دین‌داری متون ادبی، به‌ویژه متون تعلیمی، یکی از حوزه‌های پژوهشی مهم در جامعه‌شناسی ادبیات است. این تحلیل می‌تواند به درک عمیق‌تری از تأثیرات اجتماعی، فرهنگی و دینی در تولید و مصرف ادبیات کمک کند. تاریخچه نظریات مربوط به این حوزه، نشان‌دهنده تلاش‌های متعدد محققان برای شناسایی و طبقه‌بندی ابعاد دین‌داری و آثار آن در متون مختلف است. مطالعه علمی دین به‌عنوان یک پدیده اجتماعی از اواخر قرن نوزدهم آغاز شد. در دهه ۱۹۶۰، با گسترش روش‌های تجربی در علوم اجتماعی، چارلز گلاک و رودنی استارک نظریه‌ای چندبعدی برای تحلیل دین‌داری ارائه دادند. این نظریه که از تحقیقات پیشین در جامعه‌شناسی دین و روان‌شناسی دینی تأثیر پذیرفته، هم در ادبیات و هم علوم اجتماعی تأثیرگذار بوده است و محققان متعددی از آن برای تحلیل متن‌های دینی و ادبی استفاده کرده‌اند (Smith, 2005).

نظریه گلاک و استارک با تأکید بر مؤلفه‌های مختلف دین‌داری، از جمله اعتقادات، تجربیات و رفتارهای مذهبی، به درک عمیق‌تری از پدیده دین کمک می‌کند. گلاک و استارک بر این نکته تأکید می‌کنند که دین‌داری یک پدیده چندبعدی است که می‌تواند در بسترهای اجتماعی و فرهنگی مختلف متفاوت باشد (Glock & Stark, 1965: 24). این نظریه بر پنج بعد دین‌داری تأکید دارد و می‌تواند به پژوهشگران کمک کند تا جنبه‌های مختلف دین‌داری را در متون ادبی شناسایی و بررسی کنند. به‌کارگیری این نظریه در تحلیل نگارستان معین‌الدین جوینی می‌تواند به درک عمیق‌تری از ابعاد دین‌داری در این اثر و تأثیر آن بر مفاهیم اخلاقی و تعلیمی منجر شود.

با توجه به جایگاه نگارستان معین‌الدین جوینی در ادبیات فارسی، به‌عنوان یکی از مقلدان نزدیک به دوران نگارش نگارستان سعدی ضروری است که این اثر با رویکردی تحلیلی و با استفاده از نظریه گلاک و استارک بررسی گردد. بررسی دین‌داری در این اثر می‌تواند به‌عنوان یک الگو برای مطالعه دیگر متون ادبی و تعلیمی مورد استفاده قرار گیرد؛ بنابراین هدف این تحقیق بررسی و تحلیل ابعاد دین‌داری در نگارستان معین‌الدین جوینی بر مبنای نظریه گلاک و استارک است. پژوهش بر پایه این پرسش اصلی شکل گرفت که از میان ابعاد مختلف دین‌داری نظریه گلاک و استارک کدام ابعاد در نگارستان معین‌الدین جوینی تجلی یافته

است؟ فرضیه تحقیق بر این اساس استوار است که در نگارستان معین‌الدین جوینی چهار بعد اصلی دین‌داری شامل اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی تجلی یافته است. روش تحقیق در این مطالعه به صورت توصیفی و تحلیلی است. در این رویکرد، تلاش بر این است تا با استفاده از داده‌های موجود در نگارستان معین‌الدین جوینی و نظریه گلاک و استارک، ابعاد مختلف دین‌داری در این اثر تعلیمی بررسی و تحلیل شوند. در این راستا، نخستین مرحله، شامل مطالعه و تحلیل متن نگارستان معین‌الدین جوینی است. این تحلیل به منظور شناسایی و استخراج عناصر دین‌داری، آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی در متن انجام خواهد شد. در مرحله دوم، نظریه گلاک و استارک به عنوان چارچوب نظری برای تحلیل ابعاد دین‌داری انتخاب می‌شود. این نظریه به بررسی ابعاد مختلف دین‌داری، از جمله اعتقادات، مناسک، پیامدی، احساسی و نهادی دین می‌پردازد. این چارچوب به ما این امکان را می‌دهد که ابعاد مختلف دین‌داری را به طور دقیق‌تر و جامع‌تر شناسایی و تحلیل کنیم. در نهایت، داده‌های به دست آمده از تحلیل متنی و نظریه گلاک و استارک تجزیه و تحلیل خواهد شد. این تجزیه و تحلیل به منظور شناسایی ابعاد دین‌داری در نگارستان معین‌الدین جوینی انجام می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

در باره کتاب نگارستان معین‌الدین جوینی پژوهش‌هایی انجام شده است؛ برای مثال پورشریف (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی ویژگی‌های سبکی نگارستان جوینی» ویژگی‌های صرفی و نحوی کتاب و صنایع بدیع لفظی و معنوی نمودهای علم بیان و معانی را در این اثر واکاوی کرده است. پورشریف و همکاران (۱۳۹۸) نیز در مقاله‌ای با عنوان «متن‌پژوهی نگارستان معین‌الدین جوینی»، با معرفی جوینی به موضوعاتی چون انتساب کتاب نگارستان به مؤلف، سبب نگارش کتاب، مطالب و مضامین کتاب و جایگاه علمی کتاب پرداخته‌اند. رضوانی مقدم و دانشگر (۱۴۰۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «سبک نثر معین‌الدین جوینی در نگارستان براساس سبک‌شناسی تکوینی» به بررسی سبک شخصی معین‌الدین جوینی در این کتاب پرداختند و

دریافتند که هرچند این اثر نیز به روش نگارستان سعدی نگاشته شده، در هر حال هر نویسنده دارای سبک خاص خود می باشد که منحصر به فرد است.

با توجه به پیشینه فوق می توان به درستی مدعی شد که این نخستین پژوهشی است که بر مبنای نظریه گلاک و استارک به مقوله ابعاد دین داری در تعلیمات نگارستان معین الدین جوینی می پردازد.

۳. بحث و بررسی

گلاک و استارک دین داری را به پنج بُعد اصلی تقسیم کردند. این ابعاد در فهم عمیق تر متون ادبی مانند نگارستان معین الدین جوینی کاربرد مؤثری دارد. با بهره گیری از این ابعاد، می توان به بررسی چگونگی بازتاب دین داری در ساختارها و مضامین متن نگارستان پرداخت. در ادامه به شکل مجزا با بازتابانی مصادیق آن ها در نگارستان معین الدین جوینی به شرح و بسط هریک می پردازیم.

۳-۱. بعد اعتقادی^۱

این بعد شامل اعتقادات و اصولی است که پیروان دین به آن ها ایمان دارند. باورها به عنوان هسته اصلی دین عمل می کنند و نقش مهمی در شکل دهی به رفتارها و تجربه های دینی دارند؛ برای مثال، ایمان به وجود خدا، زندگی پس از مرگ و آموزه های دینی اساسی از جمله این باورها هستند (Glock & Stark, 1965: 10). تحلیل مؤلفه های اعتقادی در نگارستان معین الدین جوینی نشان می دهد که این اثر به عنوان یک منبع غنی از آموزه های دینی و اخلاقی، قابلیت بررسی و تحلیل در نظریه گلاک و استارک را دارد. جوینی با تکیه بر اصول بنیادین دین اسلام به تبیین عمیقی از دین داری پرداخته است. توحید به عنوان بنیادی ترین اصل در دین اسلام، در آثار جوینی به طور روشن بیان می شود. او با شروعی برآمده از توحید، به تفصیل به وحدانیت خداوند پرداخته است و در اثر خود را با این تحمیدیه شروع می کند که: «بسم الله الرحمن الرحيم حمد و سپاس خدای را که از لیتش از سمت هدایت منزله است و ابدیتش از وصمت نهایت مقدس» (جوینی، ۱۴۰۲: ۳۴).

نبوت یکی دیگر از مؤلفه های مهم اعتقادی است که در نگارستان معین الدین جوینی به آن پرداخته شده است. جوینی در آثار خود، علاوه بر تأکید بر مقام والای پیامبران، بر این نکته

نیز تأکید دارد که قرآن کلامی ربانی است و نقش شفیع در روز قیامت را برای مؤمنان ایفا می‌کند. به نقل قول زیر که گویای چنین باوری است توجه کنید:

«منزلت و مقدار هیچ شفیع از نبی و ولی و ملک و غیر آن در روز قیامت چون قرآن نخواهد بود علی‌الخصوص آنچه ایستاده خوانده باشد یعنی در نماز» (همان: ۳۴۸).

در اینجا، جوینی به نقش محوری قرآن و پیامبران در هدایت انسان‌ها تأکید می‌کند و نبوت را به‌عنوان یک واسطه مهم میان خدا و بشر معرفی می‌کند. باور به معاد که از ارکان اساسی اعتقادات دینی است، در آثار جوینی به وضوح دیده می‌شود. او با بیانی عمیق، به روز قیامت و نتایج اعمال انسان‌ها در آن روز چنین اشاره می‌کند: «ای وای بر کسی که به روز قیامتش با کافران برسد به دوزخ معاینه» (همان: ۱۸۶). این جمله به وضوح نشان‌دهنده اهمیت معاد در اعتقادات جوینی است. او بر این باور است که انسان‌ها باید به عواقب اعمال خود در دنیا فکر کنند و با توجه به این مسئله، به تلاش و کوشش در زندگی بپردازند. در نظریه گلاک و استارک، بعد اعتقادی بر باور به اصولی استوار است که رفتار فرد را در مسیر دین هدایت می‌کند (Glock & Stark, 1965: 25). بیت زیر مفهوم مهم دیگری از بعد اعتقادی را بازتاب می‌دهد:

نکند در رضا و خشم نهان
از تو چیزی که خیر توست در آن
(جوینی، ۱۴۰۲: ۲۸۷)

این جمله بر باور به صداقت و خیرخواهی در دوستی تأکید دارد. این ویژگی با اصل عدالت^۱ و صداقت^۲ که در آموزه‌های اسلامی ریشه دارد، پیوند مستقیم دارد.

۳-۲. بعد تجربی^۳

احساسات و تجربیات شخصی که افراد از دین خود دریافت می‌کنند، در این بعد مورد توجه قرار می‌گیرد. این تجربیات می‌تواند شامل احساس نزدیکی به خدا، تجارب روحانی، یا لحظات عمیق عرفانی باشد که تأثیرات عمیقی بر زندگی شخصی افراد می‌گذارد (Glock & Stark, 1965: 85). این نوع از تجربیات علاوه بر اینکه ادراک ذهنی و روحی عارف را تغییر می‌دهند، در برخی موارد، تأثیری عمیق بر ظاهر جسمانی او نیز می‌گذارند. این تغییرات

1. Justice
2. Truthfulness
3. Religious Experiences

می‌تواند نمادی از ورود عارف به مرحله‌ای از اتحاد با حقیقت مطلق باشد. موضوع تغییر چهره در تجربه‌های روحانی بیان‌ناپذیر از جمله مسائلی است که در روایات مرتبط با سلوک معنوی مورد اشاره قرار گرفته است. این پدیده که معمولاً به‌عنوان نوعی تغییر ظاهری یا درخشش غیرعادی توصیف می‌شود، ارتباط عمیقی با حالات شهودی عارف در لحظه‌های خاص از ارتباط با امر قدسی دارد. تغییر چهره در تجربه‌های روحانی معمولاً با بیان‌ناپذیری همراه است. عارفان اغلب اذعان دارند که چنین تجربه‌هایی را نمی‌توان با واژه‌های انسانی توصیف کرد. به قول عین‌القضات همدانی، «آن نور که در وجه عارف پدیدار می‌شود، نه از جنس نور این جهانی است و نه در توصیف آید» (عین‌القضات، ۱۳۶۷: ۸۸). یکی از معروف‌ترین مثال‌ها در سنت اسلامی، گزارش‌هایی است که درباره‌ی نورانیت و درخشش چهره‌ی پیامبر اسلام (ص) در لحظات دریافت وحی آورده شده است. به گفته‌ی ابن‌عربی در *الفتوحات المکیه*، «حالتی از نور و جلال الهی بر پیامبر ظاهر می‌شد که گواه بر اتصال ایشان به عالم غیب بود» (ابن‌عربی، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۳۰۰). حکایت زیر از کتاب *نگارستان* نیز به‌خوبی گویای تجربه‌ای روحانی معنوی میان حسین بن علی و خداوند است: «شنیده‌ام که چون حسین علی — رضی الله عنهما — از بهر نماز آغاز وضو کردی، رنگش متغیر گشتی و دلایل تأثر و انکسار در وجودش ظاهر شدی. یکی از سبب این حالت بازپرسید، گفت: هرکه توجه به حضرت الهیت کند و خود را در معرض عرض عمل و محل رفع حاجت آرد، اگر بر قرار خویش نماند از آن عجب نباید داشت» (جوینی، ۱۴۰۲: ۲۸۱).

این متن به‌زیبایی، بعد تجربی و احساسی از ابعاد دین‌داری گلاک و استارک را در یک حکایت به تصویر می‌کشد. از یک سو، تجربه‌ی شخصی از رابطه‌ی انسان با خداوند را برجسته می‌کند و از سوی دیگر، با زبان استعاری و مبهم متن، ظرفیت بالای ادبیات فارسی در بازتاب مفاهیم تجربه‌های بیان‌ناپذیر تأیید می‌کند.

۳-۳. بعد مناسک^۱

رفتارهایی که افراد در راستای دین خود انجام می‌دهند، نظیر عبادت، مناسک و مراسم مذهبی را شامل می‌شود. این عملکردها هم به تقویت باورهای دینی کمک می‌کند و هم به شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد مرتبط با دین منجر می‌شوند (Glock & Stark, 1965).

75). مناسک دینی به عنوان یک عنصر کلیدی در زندگی انسان‌ها، علاوه بر اینکه جنبه‌ای نمادین دارند، به عنوان ابزاری برای ایجاد همبستگی اجتماعی و هویت فرهنگی عمل می‌کنند. طبق نظر گلاک و استارک، «مناسک دینی به عنوان رفتارهای آگاهانه و انتخابی، مستلزم مشارکت و درک از سوی فاعلان هستند و نقش مهمی در تقویت ارتباطات اجتماعی دارند» (Ibid: 16). مناسک دینی در نگارستان شامل مناسک دین اسلام، نظیر نماز، روزه و حج، به عنوان واجبات دینی است؛ مثلاً در این کتاب نماز، شامل آداب خاصی است که جنبه‌های سمبلیک قوی دارد. این آداب، از جمله وضو، قیام، رکوع و سجود، به معانی عمیق‌تری از ارتباط با خداوند و تجلی خضوع و بندگی در برابر او اشاره دارند. وضو، به عنوان یک عمل تطهیر، نمادی از پاکی روح و جسم چنین معرفی شده است: «هرکه وضو سازد و نیکو سازد، گناه از وجودش بریزد چنان‌که برگ از درختان در خزان» (جوینی، ۱۴۰۲: ۳۳۲).

علاوه بر این، جوینی در نگارستان خود بر اهمیت توجه به نیت و حضور قلب در هنگام عبادت تأکید می‌کند و می‌گوید: «نگاه دار دلت را چو در نماز آبی که بی حضور نمازی که هست بی نور است» (جوینی، ۱۴۰۲: ۳۵۱). این جمله به معنای این است که بدون حضور قلب، نماز هیچ معنایی ندارد و باید با نیت خالص و توجه کامل انجام شود. دعا نیز در این اثر به عنوان یک کنش مذهبی علاوه بر اینکه تجلی ارتباط انسان با امر قدسی است، مفاهیمی چون نیاز، امید و تجربه‌های معنوی را در زندگی فردی و اجتماعی تقویت می‌کند. دعا کردن، به‌ویژه در قالب ابیاتی که به طلب اشاره دارد، نشان‌دهنده عمل مناسکی است که جامعه مذهبی آن را برای نزدیکی به خداوند ضروری می‌داند. برای مثال عمل دعا که در این ابیات به نجات مستمندان و شفای دردمندان اشاره دارد، کارکردی اجتماعی نیز پیدا می‌کند. این عمل به عنوان کنشی مناسکی، ارتباط خالق و مخلوق را در میان مؤمنان تقویت می‌کند (Durkheim, 1912: 37).

۳-۴. بعد اخلاقی^۱

قواعد و اصول اخلاقی که دین به پیروان خود ارائه می‌دهد، در این بعد بررسی می‌شود. این اصول به افراد کمک می‌کند تا رفتارهای خود را در چارچوب‌های اخلاقی مشخصی هدایت کنند و در نتیجه بر نحوه تعامل آن‌ها با یکدیگر تأثیر بگذارد (Glock & Stark, 1965: 155).

اخلاقیات آن قدر برای معین الدین مهم است که باب اول کتاب نگارستان را با مکارم اخلاق آغاز می‌کند و می‌گوید: «بزرگی استکثار صنوف محامد است به اقتنای انواع فضایل و مآثر و شرف، استیثار اختیار فنون مدایح بر ادخار اجناس دقایق و ذخایر کریم النفس کسی تواند بود که آفتاب وار، آثار انوار خویش از بیگانه و خویش دریغ ندارد و زکی الأصل آن که ابرکردار، فیض شفقت و رحمت از ضیاع و عقار توانگر و درویش بازنگیرد» (جوینی، ۱۴۰۲: ۸۴). در نگارستان، تأثیر نظارت اخلاقی به وضوح قابل مشاهده است. برای مثال، در نمونه زیر ویژگی راستین یک دوست را بر نظارت اخلاقی می‌داند:

«دوست حقیقی آن است که چون برادر مسلمان را ببند که از طریق سداد و منهج صواب به وجهی از وجوه منحرف گشته است، در ارشاد و هدایت به قدر وُسع بکوشد» (همان: ۶۸). این مفهوم گویای نقش نظارت اجتماعی^۱ میان افراد جامعه است که در اسلام به عناوینی چون امر به معروف و نهی از منکر و فضیلت‌هایی چون نصیحت و خیرخواهی تجلی می‌یابند. نقل قول زیر نشان‌دهنده تأکید جوینی بر این امر در ایجاد همبستگی میان صالحان است: «دو ست صالح مرد را بهتر از نفس او ست. صاحب خود را بر افعال قبیح و عادات مذموم بسیار تحریض کند» (همان: ۲۴۷).

جوینی معتقد است این دوستی به دلیل وجود باورها و ارزش‌های مشترک در بستر دین‌داری، می‌تواند به فرد کمک کند تا از اعمال ناپسند خودداری کند و در راستای خیرات بهتر حرکت کند. جوینی در بخشی دیگر نیز بر این همبستگی چنین تأکید می‌کند: «مجالست اصحاب همت مرد را بر اکتساب فضایل تحریض کند و مؤانست ازباب دنائت شریف را از درجه فضل منقط گرداند

در زمین زر چو خاک شد تا او بسایهٔ بند صحبت کان شد

از صدف قطع کرد دُر پیوند لایق گوشوار سلطان شد»

(همان: ۴۷۰)

جوینی به وضوح تأکید می‌کند که اخلاق و خلوص نیت ناصح، شرط اصلی تأثیرگذاری نصیحت است: «اگر عالم عامل بود و غرض دنیایی به وعظ و نصیحت او منوط نبا شد، در بیشتر اوقات و اکثر حالات اوامر و نواهی‌اش به شرف امتثال و انقیاد پیوندد:

اثر اگر نکند در وجود کس چه عجب نصیحتی که موشح به علت است و غرض»
(همان: ۴۷۰)

این بخش نشان می‌دهد که اگر نصیحت به‌عنوان یک عمل مناسکی، از خلوص نیت تهی باشد، نمی‌تواند در جامعه مؤثر واقع شود. این بخش از نگارستان با شرح آموزه «الدین النصیحه» به‌خوبی ابعاد مختلف دین‌داری را تبیین می‌کند. نصیحت به‌عنوان یک اصل چندوجهی، علاوه بر بازتاب ارزش‌های اخلاقی، نقش مهمی در حفظ انسجام اجتماعی و تعمیق باورهای دینی ایفا می‌کند. علاوه بر این، این متن به شکلی ضمنی به مفهوم «اخلاص» اشاره دارد که یکی از پایه‌های اصلی اخلاق اسلامی است. از دیدگاه اخلاقی و فلسفی، رفتار ناصح باید براساس نیتی خالص و بدون انگیزه‌های خودخواهانه شکل بگیرد. این موضوع، به‌ویژه در آثار اخلاقی مسلمان نیز مورد تأکید قرار گرفته است، جایی که نصیحت به‌عنوان یکی از وظایف اخلاقی در قبال دیگران شناخته می‌شود.

جوینی در بخشی دیگر تأکید می‌کند که هیچ انسانی از خطا مصون نیست و دوستی حقیقی باید براساس درک و گذشت بنا شود. این ویژگی‌ها در چارچوب بعد اخلاقی نظریه دین‌داری گلاک و استارک قرار می‌گیرد، جایی که اصول اخلاقی و ارزشی به‌عنوان بخشی از دین‌داری فرد مورد توجه قرار می‌گیرند. در اینجا، گذشت و پذیرش، به‌عنوان دو محور اخلاقی، اهمیت روابط انسانی را ارتقا می‌بخشد:

هر که را دعوی جوانمردی ست عفو و احسانش پیشه باید کرد
منتقم را که فضل و احسان نیست به فتوت صفت نشاید کرد

(همان: ۹۲)

این آموزه، در کنار اصول اخلاقی اسلام همچون گذشت و عفو، به مفاهیم قرآنی نیز نزدیک است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنْ تَغْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (تغابن: ۱۴). این آیه نیز بر عفو و گذشت در روابط انسانی تأکید دارد و می‌تواند به‌عنوان مبنایی دینی برای این متن در نظر گرفته شود.

علاوه بر این، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که دین‌داران معمولاً تمایل بیشتری به مشارکت در فعالیت‌های خیرخواهانه و خدمات اجتماعی دارند و این دین‌داری می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی و ارتقای کیفیت روابط انسانی منجر شود (Putnam & Campbell,).

(2010). در این راستا، دین‌داری به‌عنوان یک نیروی همبستگی در جوامع عمل می‌کند که افراد را به یکدیگر نزدیک‌تر می‌سازد و به آنان احساس تعلق و مشارکت جمعی می‌دهد. اغلب حکایت‌های نگارستان با محوریت موضوع اخلاق است. در نمونه زیر فعالیت خیرخواهانه یکی از مشایخ نسبت به همسایه دیوانه‌اش به‌خوبی منعکس‌کننده شکل‌گیری اخلاق به‌دلیل دین‌داری است:

«یکی از مشایخ، هم‌سایه‌ای داشت دیوانه. طعام‌های لذیذ ساختی و به دست خود در دهان دیوانه می‌نهادی. شخصی گفت: او نمی‌داند که تو چه می‌کنی. شیخ گفت: خدای او می‌داند که من چه می‌کنم. مرا کار با خداست نه با او» (جوینی، ۱۴۰۲: ۳۲۱).
همچنین است حکایت کوتاه زیر از امام زین‌العابدین:

«چون امام زین‌العابدین علیه‌السلام را بر تن شور خوابانیدند، نشان کوفتگی بر پشت مبارکش دیدند. غلامی را که محرم او بود از سبب آن تغیر پرسیدند. گفت: شب‌ها بار گران بر پشت می‌گرفتی و به خانه‌های مستحقان بردی. شبی گفتم: چه شود که این زحمت به من باز‌گذاری؟ گفت: فردا بار گناه من به تو باز نخواهند گذاشت؛ بگذار تا به خود این مهم کفایت کنم. باشد که تحمل بار قیامت بر من آسان گردد» (همان: ۳۲۱).

علاوه بر این، گلاک و استارک بر این باورند که دین علاوه بر اینکه یک سیستم باور است، به‌عنوان یک نهاد اجتماعی به افراد کمک می‌کند تا اخلاقیات و روابط خود را درک و سامان‌دهی کنند. به عقیده آن‌ها، دین می‌تواند در شرایط بحرانی و چالش‌های اجتماعی به عنوان یک منبع حمایت عاطفی عمل کند و افراد را به ایجاد پیوندهای اجتماعی مستحکم‌تر ترغیب کند (Glock & Stark, 1965: 35). همچنین به مفهوم «نظام‌های عاطفی» اشاره می‌کنند که دین می‌تواند به افراد در مواجهه با احساسات پیچیده مانند اضطراب، ناامیدی و ترس کمک کند. آن‌ها بر این باورند که دین می‌تواند منبعی برای معنا و هدف در زندگی باشد و افراد را قادر به پیدا کردن آرامش و اطمینان در برابر چالش‌های زندگی می‌کند (Ibid: 34). این دیدگاه نشان‌دهنده این است که دین به‌عنوان یک نیروی محرکه، اخلاق انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند در شکل‌گیری روابط اجتماعی نقش داشته باشد.

معین‌الدین جوینی در نگارستان، به‌طور مستمر به ارتباط میان دین و اخلاقیات اشاره می‌کند و اهمیت رفتار نیک و اخلاق را در تقویت دین‌داری بیان می‌دارد. او می‌نویسد: «خوی نیک زمامی است از رحمت در دست فرشته که صاحب آن زمام را به خیر می‌کشد و خیر او

را به جنت می‌رساند و خلق بد عنانی است از عذاب در قبضه شیطانی که بدخویی را بشر می‌کشد و شر او را به دوزخ می‌برد» (جوینی، ۱۴۰۲: ۱۱۵).

این جمله نشان‌دهنده تأثیر مستقیم رفتار نیک بر دین‌داری است؛ زیرا دین و دین‌داری می‌تواند به افراد روابط حسنه ببخشد و از افراد در مواجهه با مشکلات و سختی‌های زندگی حمایت کنند. اعتقاد به وجود یک قدرت بزرگ‌تر و اعتماد به برنامه‌ها و مقصودهای الهی، به افراد امید و انگیزه می‌دهد و آن‌ها را از افول و ناامیدی در مواجهه با مشکلات محافظت می‌کند. این احساس معنویت و رضایت می‌تواند بهبود روابط انسانی و بهبود کیفیت زندگی را تسهیل کند.

از سوی دیگر، جوینی به تأثیر اخلاق نیک بر دین‌داری نیز دین اشاره دارد: «هر کس را رضا بر سخط غالب باشد و عفو از انتقام زیادت باشد و در ادای امانت و بذل معروف و صله رحم بکوشد در نور اعظم خدای تبارک و تعالی باشد» (همان: ۱۱۸).

این جمله به وضوح تأکید می‌کند که اخلاق نیک می‌تواند بر دین‌داری تأثیر بگذارد. گلاک و استارک نیز در تحقیقات خود نشان داده‌اند که رفتارهای نیک انسانی می‌تواند به نوعی در رفتارهای دین‌دارانه افراد تأثیرگذار باشد (Glock & Stark, 1965: 7).

گلاک و استارک نیز به ارتباط بین اخلاق و دین اشاره دارند و می‌گویند که اعمال اخلاقی می‌تواند نشان‌دهنده تعهدات دینی افراد باشد (همان: ۱۵). علاوه بر این، جوینی در آثار خود بر فضایل اخلاقی همچون عدالت، تواضع و صداقت تأکید دارد که حاصل تأثیر و تأثر متقابل دین‌داری و بعد احساسی است. او می‌نویسد: «افضل مردمان کسی است که بدین پنج خصلت مو صوف باشد: به عبادت پیش‌دستی کند، منفعتش خلق را ظاهر باشد» (جوینی، ۱۴۰۲: ۱۲۸).

این جملات نشان‌دهنده این است که دین علاوه بر اینکه فرد را به عبادت و ارتباط با خدا ترغیب می‌کند، او را به خدمت به دیگران و ایجاد روابط مثبت و سازنده با افراد جامعه نیز تشویق می‌کند. این پیوندها می‌تواند در زمان‌های بحرانی، به عنوان یک منبع حمایت عاطفی عمل کنند. با توجه به نمونه‌های فوق درمی‌یابیم که در نگارستان معین‌الدین جوینی دین و اخلاق در یک رابطه متقابل و تأثیرگذار قرار دارند. در این اثر، این رابطه متقابل بین اخلاق و دین‌داری می‌تواند به عنوان یک چرخه پویای انسانی توصیف شود و به بررسی‌های عمیق‌تر

فلسفی در زمینه انسان شناسی مرتبط شود؛ جایی که دین داری به عنوان یک راهکار برای فهم بهتر از اخلاق و روابط انسانی مورد بررسی قرار می گیرد. با توجه به آنچه گفته شد، در این اثر، دین داری و اخلاق در یک تعامل پیچیده و دینامیک قرار دارند که در آن هر کدام می تواند بر دیگری تأثیر بگذارد.

۳-۵. بعد نهادی^۱

دین داری به عنوان یک پدیده چندبعدی هم بر هویت فردی انسان ها تأثیر می گذارد و هم به عنوان عاملی بنیادی در شکل گیری نهادهای اجتماعی افراد عمل می کند. به عبارت دیگر، دین داری علاوه بر اینکه یک پدیده فردی است، می تواند به طور گسترده ای بر ساختار اجتماعی تأثیر بگذارد (Glock & Stark, 1965: 85). نهاد های دینی نیز نقش مهمی در فرایند اجتماعی شدن دین ایفا می کنند. این نهادها می توانند شامل مساجد، کلیساها، معابد و دیگر سازمان های مذهبی باشند که به ترویج و حفظ دین می پردازند (Ibid: 98). گلاک و استارک در این بخش به وضوح بیان می کند که دین^۲ نمی تواند به طور کامل از بستر اجتماعی^۳ جدا شود. در این چارچوب، دین تحت تأثیر نهادهای اجتماعی^۴ قرار دارد و خود نیز بر آنها تأثیر می گذارد. این تعامل متقابل، دین را به عنوان یک پدیده اجتماعی^۵ در حال تغییر و تحول تعریف می کند. آنها در این زمینه تأکید دارند که دین و جامعه به طور متقابل بر یکدیگر تأثیر می گذارند و این تأثیرات می توانند منجر به تغییرات عمیق در هر دو حوزه شوند (همان: ۱۰۱). جوینی معتقد است که افرادی که به یک دین مشترک اعتقاد دارند، روابط نزدیک تری با یکدیگر برقرار می کنند و این روابط به دلیل وجود باورها و ارزش های مشترک، مستحکم تر می شود؛ بر این اساس، دین داری می تواند به تقویت همبستگی و ارتباطات اجتماعی میان افراد کمک کند. در نگارستان، دین اسلام با گرایش تصوف از ساختار اجتماعی تأثیر می گیرد و بر آنها تأثیر می گذارد. اصول و باورهای صوفیانه در حکایت های این کتاب به عنوان پایه های اخلاقی و اجتماعی عمل می کند و بر تصمیم گیری های فردی و جمعی تأثیر می گذارد. اغلب این حکایت ها مربوط به تأثیرگذاری صوفیان بر آحاد جامعه است و نشان دهنده

-
1. Religious Institutions
 2. Religion
 3. Social Context
 4. Social Institutions
 5. Social Phenomenon

تأثیر این نهاد دینی در شکل‌دهی به رفتارهای اجتماعی و نقش آن در تحکیم اخلاق و رفتارهای انسانی است. ابیات زیر، به‌خوبی، رفتارهای اجتماعی عارفان را از دیگران تفکیک می‌کند:

«تواضع است و تفضل طریق اهل خرد تکبر است و تهور طریقه او باش
چو عارفان بگشاد ست و موی در بر ریز مکن تراش ز خلق خدا و سر تراش»
(همان: ۱۴۷)

در میان مسلمانان و عرفایی که در حکایات نگارستان مطرح می‌شود، اعتقاد به وجود یک خداوند مشترک و ارتباط با او، به افراد احساس ارتباط عمیق‌تری با یکدیگر می‌دهد. این احساس همبستگی میان افراد، می‌تواند به شکل‌گیری جامعه‌های مذهبی و اجتماعی متمایز کمک کند که در آن افراد براساس اعتقادات و ارزش‌های مشترک به هم پیوسته و با یکدیگر همدلی و همکاری می‌کنند. از این‌رو، دین‌داری به‌عنوان یک سازوکار اجتماعی عمل می‌کند که می‌تواند به ایجاد حس تعلق و همبستگی اجتماعی کمک کند و به‌طور مستقیم بر کیفیت زندگی اجتماعی افراد تأثیر بگذارد.

در توضیح می‌افزاییم که اهل تصوف و صوفیان، مانند سایر نهادهای دینی، باورهایی دارند که زهد و دنیاگریزی، جبرگرایی، رضایت به وضع موجود، دوری کردن از درس و مدرسه، فقر، صبر و توکل ازجمله آن‌هاست. این باورها به‌علت نفوذ بسیار زیاد آن‌ها در ایران و ایرانیان، تأثیرات فراوانی بر حوزه‌های مختلف دین و فرهنگ و ادب ایرانی ازجمله کتاب نگارستان گذاشته است. در دوره‌ای که معین‌الدین جوینی در آن می‌زیست، تصوف در ایران به‌عنوان یک نهاد دینی مؤثر در تحولات اجتماعی و فرهنگی نقش‌آفرینی کرد. این دوره، هم‌زمان با حملات مغول و پیامدهای آن، زمینه‌ساز تغییرات عمیقی در ساختارهای اجتماعی بود که متقابلاً بر تصوف نیز تأثیر گذاشت. تصوف به‌عنوان یک نهاد اجتماعی در تاریخ ایران نقشی چندوجهی و پیچیده ایفا کرده است. این نهاد، با تأسیس خانقاه‌ها و ایجاد طریقت‌های مختلف، ساختاری منسجم برای پیروان خود فراهم آورده و در عرصه‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بوده است. خانقاه‌ها به‌عنوان مراکز تجمع صوفیان، علاوه بر کارکردهای مذهبی، در ارائه خدمات اجتماعی و فرهنگی نیز نقش داشته‌اند. برای مثال، در دوره ایلخانان، خانقاه‌ها به‌عنوان مراکز فرهنگی و هنری عمل می‌کردند و در توسعه هنر و فرهنگ نقش

بسزایی داشتند (نادری رمضان‌آباد و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱). طریقت‌های صوفیانه با ایجاد شبکه‌های گسترده، به انسجام و گسترش تصوف کمک کرده‌اند. این شبکه‌ها، با ساختارهای سلسله‌مراتبی و ارتباط ارادت‌آمیز میان مریدان و مرشد، نوعی ساختار اجتماعی ایجاد می‌کردند که در برابر نهادهای رسمی دینی و حتی سیاسی قابل توجه بود (امامی خوئی و نژادنجفیان، ۱۳۹۵: ۱۰).

تغییراتی که صوفیان و عرفا تا سال ۷۳۵ هجری قمری، یعنی زمان نگارش کتاب *نگارستان*، در اسلام اعمال کردند، تأثیرات عمیقی بر تفکر و عمل دینی مسلمانان داشت. این تغییرات که در محورهای چون تأویل‌گرایی در قرآن، رواج سماع و ذکر جمعی، نظریه وحدت وجود و طریقت‌گرایی نمود یافت که از یک سو باعث غنای معنوی و عمق‌بخشی به دین شدند و از سوی دیگر، با واکنش‌های شدید از طرف علمای شریعت روبه‌رو شدند. خانقاه‌ها به‌عنوان مراکز تجمع صوفیان، تأثیر قابل توجهی بر تفکر و عمل دینی جامعه اسلامی داشتند. در خانقاه‌ها، بیشتر از شریعت، بر طریقت تأکید می‌شد. این تغییر، به‌نوعی جدایی از ساختار سنتی دین بود که توسط برخی علمای شریعت، به‌عنوان فاصله گرفتن از دین اصیل و ایجاد یک ساختار موازی تلقی می‌شد (فیاض و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۸-۷۹). در خانقاه‌ها، آموزه‌های معنوی و تربیت نفس اولویت داشت و این مراکز به‌تدریج به محل شکل‌گیری طریقت‌های مختلف صوفیانه تبدیل شدند. این روند به‌نوعی تمرکز را از شریعت و اجرای ظاهری آن به تجربه‌های معنوی و باطنی منتقل کرد.

۴. نتیجه

تحلیل *نگارستان* معین‌الدین جوینی با استفاده از ابعاد دین‌داری براساس نظریه گلاک و استارک نشان می‌دهد که این اثر از ظرفیت‌های ادبی برای ارائه و تقویت آموزه‌های دینی بهره‌ای عمیق و چندجانبه گرفته است. جوینی در این اثر، با تأکید بر آموزه‌های اخلاقی و تربیتی، به تمامی ابعاد دین‌داری شامل اعتقادی، تجربی، مناسکی، اخلاقی و نهادی پرداخته و توانسته است در تعلیمات خویش، میان ادبیات و دین پیوندی معنادار برقرار کند. در بعد اعتقادی، جوینی با بهره‌گیری از حکایت‌های کوتاه و پرمغز، اصول اساسی اعتقادی دین اسلام همچون یگانگی خداوند، نبوت و معاد را به‌گونه‌ای بیان کرده است که این باورها برای خواننده قابل درک و کاربردی شوند. در بعد تجربی، جوینی به بازنمایی احساسات معنوی و

تجربه‌های درونی دین پرداخته است. او از حکایت‌هایی استفاده می‌کند که در آن‌ها شوق معنوی، خشیت از خداوند و آرامش حاصل از ارتباط با امر قدسی به‌خوبی نمایان شده است. این حکایت‌ها به خواننده کمک می‌کنند تا ابعاد احساسی و عاطفی دین را بهتر بشناسد و به درک عمیق‌تری از تجربه دینی برسد. در بُعد مناسکی، اهمیت انجام عبادات همچون نماز و روزه با تأکید بر نیت خالصانه و حضور قلب به تصویر کشیده شده است. جوینی مناسک را تنها به‌عنوان اعمالی ظاهری معرفی نمی‌کند، بلکه به‌عنوان راهی برای پالایش نفس و نزدیکی به خداوند می‌نگرد. این نگاه باعث شده است که خواننده به عبادات به‌عنوان ابزاری برای رشد معنوی و تربیتی ببیند.

یکی از برجسته‌ترین وجوه تعلیمات نگارستان، توجه ویژه به بعد اخلاقی دینداری است. جوینی در حکایت‌های خود، بر ارزش‌هایی همچون صداقت، عدالت، تواضع و بردباری تأکید دارد و تلاش می‌کند تا این مفاهیم را از طریق داستان‌هایی ساده اما تأثیرگذار در ذهن خواننده نهادینه کند. این روش، خواننده را به بازنگری در رفتار و کردار خود ترغیب می‌کند و دینداری را به شکلی عملی و روزمره تعریف می‌کند که در زندگی واقعی معنا پیدا کند. در بررسی بعد نهادی دینداری در تعلیمات معین‌الدین جوینی در نگارستان، این نتیجه حاصل شد که در نگارستان، دین اسلام با گرایش تصوف از ساختار اجتماعی تأثیر می‌گیرد و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. اصول و باورهای صوفیانه در حکایت‌های این کتاب به‌عنوان پایه‌های اخلاقی و اجتماعی عمل می‌کند و بر تصمیم‌گیری‌های فردی و جمعی تأثیر می‌گذارد. اغلب این حکایت‌ها مربوط به تأثیرگذاری صوفیان بر آحاد جامعه است و نشان‌دهنده تأثیر این نهاد دینی در شکل‌دهی به رفتارهای اجتماعی و نقش آن در تحکیم اخلاق و رفتارهای انسانی است. تحولات اجتماعی و فرهنگی در دوره معین‌الدین جوینی و تأثیرات جنگ‌های پیش از دوره زندگانی جوینی از جمله حمله مغول و دیگر تغییرات تاریخی بر تصوف، منجر به بروز رویکردهای جدیدی در دین و معنویت شد که این امر به غنای فرهنگی و اجتماعی جامعه مسلمانان کمک کرد.

درمجموع می‌توان گفت که نگارستان به‌عنوان یک اثر تعلیمی، علاوه بر اینکه به تحلیل مباحث نظری دینداری می‌پردازد، تأثیرات عمیق و گسترده دینداری بر زندگی اجتماعی و فرهنگی را به‌خوبی نمایان می‌سازد. این اثر نشان‌دهنده تأثیر متقابل دین و نهادهای اجتماعی

بر یکدیگر است و به‌طور جامع، ابعاد دین‌داری را در بستر تعلیم و تربیت به تصویر می‌کشد. جوینی در این اثر، دین را به‌صورت یک تجربه همه‌جانبه بازنمایی می‌کند؛ تجربه‌ای که اعتقادات را با اخلاق، مناسک را با معنویت و دانش را با زندگی روزمره در هم می‌آمیزد. این نگاه جامع‌نگر، نگارستان را به متنی ارزشمند در ادبیات تعلیمی و دینی تبدیل کرده که قابلیت استفاده در فرایندهای تربیتی و دینی معاصر را داراست.

منابع

۱. ابن عربی، محیی‌الدین. (۱۴۲۴ق). *الفتوحات المکیه*. بیروت: دار صادر.
۲. امامی خوئی، محمدتقی و نژادنجفیان، محمدامین. (۱۳۹۵). نقش تصوف شهری عامه در تحولات سیاسی و اجتماعی آناتولی در سده‌های هفتم و هشتم هجری. *مطالعات تاریخ اسلام*، شماره ۲۹، ۱-۲۸.
۳. پورشریف، حسین. (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های سبکی نگارستان جوینی. *سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی*، شماره ۲۰، ۵۷-۷۵.
۴. پورشریف، حسین، مدرس‌زاده، عبدالرضا و موحدی، محمدرضا. (۱۳۹۸). متن‌پژوهی نگارستان معین‌الدین جوینی. *کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۴۰، ۹-۳۹.
۵. جوینی، معین‌الدین. (۱۴۰۲). *نگارستان*. تصحیح حسین پورشریف. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۶. رضوانی‌مقدم، نرگس و دانشگر، آذر. (۱۴۰۰). سبک نثر معین‌الدین جوینی در نگارستان براساس سبک‌شناسی تکوینی. *مطالعات زبانی بلاغی*، شماره ۲۵، ۱۵۹-۱۹۰.
۷. رزمجو، حسین. (۱۳۷۲). *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
۸. عین‌القضات همدانی. (۱۳۶۷). *نامه‌ها*. تصحیح عقیف عسیران. تهران: نشر علمی و فرهنگی.
۹. فیاض، ابراهیم، تولی، محمدامین و دبیریان، محسن. (۱۳۹۲). تصوف و جامعه‌شناسی توسعه‌نیافتگی در ایران. *دوفصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی*، شماره ۴، ۶۱-۸۴.
۱۰. نادری رم‌ضآن‌آباد، امین، بحرانی‌پور، علی، خسرویگی، هوشنگ و قیم، بهادر. (۱۳۹۹). ساختار فرهنگی، هنری و اقتصادی خانقاه‌ها در فرایند رشد مدیران صوفیه ایلخانان ایران. *مطالعات هنر اسلامی*، شماره ۳۷۷، ۱-۱۸.

۱۱. مشتاق‌مهر، رحمان و بافکر، سردار. (بی‌تا). شاخص‌های محتوایی و صوری ادبیات

تعلیمی. نشریه ادبیات تعلیمی، شماره ۲۶، ۱-۲۸.

12. Berger, Peter L. (1990). *The Sacred Canopy: Elements of a Sociological Theory of Religion*. New York: Anchor Books.
13. Durkheim, É. (1912). *The Elementary Forms of Religious Life*. New York: Free Press.
14. Glock, Charles Y., & Stark, R. (1965). *Religion and Society in Tension*. Chicago: Rand McNally.
15. Pargament, Kenneth I. (1997). *Psychology of Religion and Coping: Theory, Research, Practice*. New York: Guilford Press.
16. Putnam, Robert D., & Campbell, David E. (2010). *American Grace: How Religion Divides and Unites Us*. New York: Simon & Schuster.
17. Smith, J. (2005). Dimensions of Religious Experience in Literature. *Journal of Literary Studies*, 20 (4), 112-130.

